

اثرگذاری نقل و شخصیت روایی احمد بن زیاد همدانی بر آثار شیخ صدوق

حسین ستار^۱، سید محمد موسوی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۱۹ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱/۲۲)

چکیده

سرآمد محدثان امامیه محمد بن علی بن بابویه (م. ۳۸۱) معروف به شیخ صدوق؛ در دوران زندگانی خویش شرق و غرب دنیای اسلام را درنوردید تا میراث ائمه اطهار (علیهم السلام) را گردآوری کند. حاصل سفرهای حدیثی او، کثرت مشایخ و فراوانی تألیف بود. در این مسیر پرفراز و نشیب صدوق، قدم به شهرهای دور و نزدیک گذاشت و دربرابر اجلای امامیه زانوی تلمذ زد. در لابه‌لای سفرهای صدوق و نگاشته‌های وی، نام «همدان» و یاد محدثان «همدانی» دیده می‌شود. از نتایج سفر شیخ صدوق به همدان، آشنایی و تحمل حدیث فراوان از محدثی جلیل‌القدر به نام «احمد بن زیاد بن جعفر همدانی» است. وی محدثی برخاسته از مکتب همدان، از مشایخ صدوق و از محدثان با روایات فراوان اما مجهول‌الحالی است که نام وی در اسناد آثار پیشینیان امامیه به چشم می‌خورد. این نوشتار کوشش می‌کند با تکیه بر داده‌های محدود از آثار صدوق، گوشه‌ای از زندگانی ناشناخته "احمد بن زیاد همدانی" را که در کتب رجالی مورد غفلت قرار گرفته؛ آشکار نماید و به ارزیابی نقش او در تکمیل میراث امامیه توجه دهد. این پژوهش با همین هدف و از رهگذر روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نقش این شیخ بلاواسطه صدوق پرداخته است.

کلید واژه‌ها: همدان، شیخ صدوق، علی بن ابراهیم قمی، احمد بن زیاد همدانی، کوفه.

sattar@kashanu.ac.ir

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران؛

۲. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول)؛

Seyyedmosavi1375@gmail.com

بیان مسأله

بی تردید ایرانیان (قوم فارس)، نقش مهمی در تدوین حدیث و توسعه علوم حدیثی داشته‌اند که نگارش صحیحین و سنن اربعه اهل سنت و جوامع روایی چهارگانه حدیثی شیعه در کنار دهها اثر برجسته دیگر توسط ایرانیان، گواهی بر این مدعاست. از دیگر سو جایگاه بنیادین علم رجال در منظومه دانشهای اسلامی بسیار روشن است. این امر تا مرحله‌ای اهمیت می‌یابد که اصحاب فریقین در شناسایی وضعیت وثاقت روات کوشش‌های فراوانی به سرانجام رسانده‌اند. با وجود تلاش‌های بسیار در این عرصه، درباره عدالت، ایمان و مذهب برخی از راویان حدیث، داده‌های رجالی بسیار کمی قابل پیجویی است. احمد بن زیاد بن جعفر محدث ایرانی ساکن منطقه همدان در سده چهارم هجری قمری - که تراث روایی امامیه مشحون از روایات او به خصوص در منقبت اهل بیت علیهم‌السلام است - نمونه‌ای از این فقدان داده‌های رجالی است.

او به جهت آنکه واسطه راهیافت بخشی از اساسی‌ترین نگاشته‌های حدیثی مشایخ کوفه به منطقه همدان بوده و سرسلسله انتقال تراث روایی کوفیان به قمیان و سپس به آثار سده‌های پسینی می‌باشد؛ جایگاهی قابل توجه در نقل روایات کلامی، فقهی و تفسیری امامیه دارد. این بیان درباره "احمد بن زیاد همدانی" درحالی است که گزارش‌ها پیرامون زندگانی و فعالیت حدیثی او در همدان بسیار محدود است. فراوانی نام و یاد "احمد بن زیاد همدانی" در جوامع روایی امامیه به خصوص در کتب شیخ صدوق از یک طرف، نقش ویژه او در نقل روایات کلامی، تاریخی، فقهی، تفسیری از طرف دیگر، حضور او در

۱. محدثان نامی فراوانی در این دیار پا به عرصه حیات گذاشته و مرزهای دانش حدیث را تغییر داده‌اند. بنابراین اگر حدیث دانی همدانی نام گرفت بدین معناست که او زاده یا نزیل آن سرزمین بوده و لقب همدانی به او اطلاق می‌شود گرچه بحث از محدثان همدانی تبار در کتب رجالی، تراجم، طبقات و فهرست‌نامه‌ها یافت می‌شود ولیکن در کنار منابع پیش گفته آثار و تألیفات شیخ صدوق رحمه الله علیه نیز برای شناخت مشاهیر حدیثی همدان راهگشاست.

متفردات شیخ صدوق^۱ و ابهام پیرامون مذهب و ایمان او، ضرورت شناسایی شخصیت حدیثی او را آشکارا می‌نماید.

شیخ صدوق در آثار خویش متفردا از محدثان همدانی همچون أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِي، أَبُو أَحْمَدَ الْقَاسِمِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ السَّرَّاجِ الْهَمْدَانِي، إِبْرَاهِيمَ بْنُ فَضْلِ بْنِ فَضْلِ بْنِ الْكَكْدِي، عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ سُفْيَانَ بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْهَمْدَانِي، مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ زَيْدَوَيْهِ الْجَلَّابِ الْهَمْدَانِي یاد می‌کند و این نکته نشانگر کوشش‌های حدیثی در منطقه همدان بوده است. محدثان پیش گفته منشأ ورود روایات گرانبهایی در موضوعات گوناگون حدیثی به آثار شیخ صدوق و راهیابی این میراث از طریق صدوق به حوزه حدیث شیعی شده‌اند. (نک: ادامه نوشتار)

با توجه به جایگاه و اهمیت شهر همدان در سده‌های نخست هجری و گزارش شیخ صدوق از احادیث ارزشمندی از آن دیار این جستار بر آن است ضمن درنگی کوتاه بر منطقه همدان به معرفی محدثان همدانی در آثار صدوق پرداخته و با تحلیل داده‌های موجود به کشف جریان/جریانهای فکری حدیثی این دیار بپردازد. همچنین با آنکه اندیشمندان فلات ایران به خصوص همدانیان در ارتباط با ترویج باورهای شیعی نقش و سهم ارزشمندی را ایفا کردند^۲ ولیکن باید اذعان کرد برای شناخت محدثان همدانی کوشش در خور توجهی انجام نپذیرفته و یا حاصل تلاشها در منابع پیشینیان مخفی مانده است.^۳ به همین روی ضروری است راویان و محدثان همدان در اثری مستقل و مجزا مورد مطالعه قرار گیرد. شایان ذکر است تاکنون نه اثر مستقلی در خصوص حوزه/مکتب حدیثی همدان و نیز میراث همدانیان در آثار صدوق به عمل نیامده. از رهگذر این پژوهش معلوم می‌شود برخلاف نگاه رایج که آثار صدوق میراث برآمده از حوزه حدیثی قم و ری است؛

۱. حدیث مفرد آن است که راوی در نقل آن تنها باشد و یک راوی حدیث را نقل کند (سبحانی، ۶۲؛ مانند اینکه فقط یکی از پیشوایان حدیث آن را نقل کرده باشند و دیگران آن را روایت نکرده باشند مثل متفردات شیخ صدوق).

۲. به گزارش مقدسی در جنوب غربی ایران تشیع به دلیل مجاورت با کوفه و اعراب متشیع رواج یافته بود. (خواجه‌نویان، ۱۱۵)

۳. جهت اطلاع بیشتر بنگرید به مقاله حوزه‌های علمیه شیعه در گستره جهان اثر سیدعلی‌رضا کباری بخش همدان.

آثار او متشکل از دیگر مناطق مثل نیشابور^۱ و عسکر مکرم^۲ و همدان و شاید نقاطی دیگر نیز بوده است.

شناخت احمد بن زیاد همدانی

أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيّ از راویان کثیرالروایه اما مجهولی است که نام و یاد او در اسناد نگاشته‌های اسلاف اصحاب امامیه به چشم می‌خورد.

صدوق از او با این عناوین یاد نموده است:

ا. احمد بن زیاد بن جعفر همدانی در ۱۴۸ مورد از جمله امالی (۳۲۱/۱) و فقیه (۳۷۲/۲)

ب. احمد بن زیاد بن جعفر در دو مورد از جمله کمال‌الدین (۳۸۲/۲)

ج. احمد بن زیاد همدانی در دو مورد از جمله علل الشرایع (۳۹۱/۱)

د. احمد بن زیاد همدانی در ده مورد از جمله خصال (۳۹۲/۲)

ه. احمد بن زیاد در شش مورد از جمله من لایحضره الفقیه (۲۴۶/۳)

خواننده متتبع او را با احمد بن زیاد که از شاگردان و اصحاب ابی الحسن علیه السلام هست و در سلسله اسناد صدوق هم ذکر شده (مثلاً ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۲/۴۱۳)؛ اشتباه نخواهد گرفت.

از آثار ارزشمند متقدمان امامیه چون شیخ صدوق «الامالی، التوحید، عیون اخبار الرضا، کمال‌الدین و تمام النعمه» گرفته تا نگاشته‌های دوره متأخران امامیه چون شیخ حرعاملی «وسائل الشیعه» محمدباقر مجلسی «بحار الانوار» و فیض کاشانی «الوافی» کمتر اثری را می‌توان یاد کرد که از «احمد بن زیاد همدانی» به واسطه شیخ صدوق نقل نکرده باشد.

بررسی آثار شیخ صدوق نشان می‌دهد اگر شیخ صدوق گزارشی بدو نمی‌داد هیچ اطلاعاتی نه از مرویات و نه از شخصیت رجالی احمد بن زیاد همدانی به دست پسنیان نمی‌آمد. با جستجویی که در آثار پیشینیان انجام پذیرفت بغیر از شیخ صدوق، تنها یک

۱. ستار، نقش آفرینی نیشابور و نیشابوریان در تدوین آثار و شکل‌گیری شخصیت علمی شیخ صدوق.

۲. نک: ستار و موسوی، ابوالاحمد عسکری در میراث حدیثی شیعه، سال انتشار ۱۴۰۰.

سند در امالی شیخ طوسی وجود دارد که نام احمد بن زیاد همدانی در آن دیده می‌شود. ان هم از طریق حسین بن عبیدالله الغضائری و مجدداً شیخ صدوق و البته درباره فضیلت زید بن علی (طوسی، ۱۴۱۳ق، ۴۳۴/۱).

قرائن در دسترس نشانگر آن است که تا قرن‌ها پس از شیخ صدوق مرویات او در اختیار دانشمندان امامیه قرار گرفته و از آن بهره‌ها برده‌اند. برای مثال قطب الدین راوندی ۵ مورد در کتاب قصص الانبیاء از طریق ابن بابویه از "احمد بن زیاد همدانی" نقل کرده است (راوندی، ۱۰۵/۱؛ همانجا، ۳۵۸/۱؛ ۳۰۴/۱؛ ۳۰۶/۱؛ ۱۰۰/۱). همچنین در کتاب وسائل الشیعه ۴۷ روایت فقهی از احمد بن زیاد همدانی نقل شده است (برای نمونه شیخ حرعاملی، ۲۴۱/۱۶؛ ۴۸/۱؛ ۲۲۴/۲). فایده بخش بودن گفت‌وگو پیرامون استادان و تلامذ احمد بن زیاد در ارزیابی وضعیت رجالی او ایجاب می‌نماید که قبل از ورود به مبحث سنجش وثاقت او، فهرستی از مشایخ و شاگردان او بیان شود.

گفتنی است شیخ صدوق پیرامون برخی مشایخ خویش مقید است حتماً ایشان را با ترحم یا ترضی یاد کند همچون علی بن حسین بن بابویه، ابن الولید. از دیگر سو شیخ صدوق برخی از مشایخ خویش را گاهی ترحم می‌کند و برخی را اصلاً ترحم نمی‌کند مثل عبدالواحد بن محمد بن عبدوس نیشابوری (ابن بابویه، التوحید، ۲۶۹؛ همو، علل الشرایع، ۲۵۱/۱) آنچه از کنش شیخ صدوق درباره مشایخ خویش برمی‌آید این است مشایخی که صدوق همیشه ایشان را ترحم می‌کند از مشایخ عمده صدوق هستند و از باب اکتار روایت اجلا و مشایخ الثقات می‌توان ایشان را تفه دانست. این ادعا به خصوص پیرامون احمد بن زیاد این مطلب صدق می‌کند چرا که کثرت روایت از او نشان دهنده کثرت معاشرت صدوق با اوست. با اینکه صدوق در مسافرت خویش به همدان با او ملاقات نموده اما در همه مواردی از او با رحمه الله و رضی الله عنه یاد کرده است و این قرینه‌ای است مبنی بر اینکه صدوق بر مرویات احمد بن زیاد اعتماد داشته است. «از این که این اکابر حدیث، نسبت به آنها ترحم و ترضی می‌کنند، فهمیده می‌شود، که آنان شخصیت‌هایی برجسته و در

نظر کلینی و صدوق دارای مکانت و جلالت شأن بوده‌اند... و این ترخّم و ترضی، مانند شیخوخت می‌تواند، دلیل بر توثیق باشد؛ زیرا نشان می‌دهد که راوی، فردی ثقه و مورد اعتماد بوده است.»^۱ و بعضی به کثرت ترضی بر یک راوی توجه کرده و آن را دال بر توثیق دانسته‌اند.^۲ (محسنی، ۴۵/۱-۴۴).

مشایخ احمد بن زیاد همدانی

جستجو در میراث روایی شیخ صدوق نشانگر آن است که همدانی بیش از ۵ شیخ حدیثی شیعی داشته است؛ از این بین، می‌توان مشایخ او را به مثابه رجال برجسته و نام آشنا یادکرد. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ (به عنوان نمونه: ابن بابویه، امالی، ۷۲؛ ابن بابویه، التوحید، ۱۹؛ ابن بابویه، التوحید، ۳۹۷؛ ابن بابویه، خصال، ۶۳۹/۲؛ ابن بابویه، علل الشرایع، ۷/۱؛ ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۲۱۰/۲؛ ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۲۱۷/۲؛ ابن بابویه، فضائل اشهر الثلاثة، ۵۶؛ ابن بابویه، کمال الدین، ۳۶۸/۲؛ ابن بابویه، کمال الدین، ۳۷۱/۲؛ ابن بابویه، معانی الاخبار، ۹۰؛ همو، ۱۰۷؛ همو، ۱۱۰؛ ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۴۶۴/۴؛ همو، ۴۷۲/۴)، عُمَرُ بْنُ سَهْلٍ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الدِّينَوْرِيِّ (ابن بابویه، امالی، ۴۶۷)، مُحَمَّدُ بْنُ مَعْقِلٍ الْقَرْمِيسِينِيِّ^۳ (ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۶۴/۱)، أَبُوالْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ الْعَلَوِيِّ الرَّقِّيُّ الْعَرِضِيُّ^۴ (ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۴۷۰/۲) از اجلای امامیه و از مشایخ حدیثی احمد بن زیاد هستند.^۵

آنگونه که در ادامه بیان خواهد شد، حضور برخی از مشایخ حدیثی او اولاً در انتقال میراث حدیثی کوفه به قم و از قم به همدان اثر فراوانی داشته است ثانیاً شهرت و جلالت

۱. نک به: محسنی، بحوث فی علم الرجال: ص ۹۰؛ بعضی دیگر البته بر این باورند که این الفاظ به خصوص در حالت کثرت دلالت بر جلالت شان و حسن راوی دارد.

۲. قرمیسین در اصل کرمانشاه فعلی است.

۳. رقا از دیگر نام‌های شهری "ری" در ایران باستان است.

۴. با توجه اینکه مشایخ زیاد بن جعفر همدانی از اهالی قرمیسین (کرمانشاه) و رقا(ری) بوده‌اند به نظر می‌رسد او در طول زندگانی خویش به مرکز فلات ایران مسافرت کرده است و حوزه نفوذ او برای استماع حدیث نواحی مختلفی از ایران را شامل می‌شده است.

اتفاقی مشایخ او و عدم مجهول بودن اغلب آنان، مصونیت ایشان از اتهام به مذهب خلاف امامی، در قول به شیعه امامی بودن احمد بن زیاد بی تأثیر نیست.

شاگردان "احمد بن زیاد همدانی"

با توجه به آثار اسلاف امامیه شاخص‌ترین شاگرد "احمد بن زیاد همدانی"، شیخ صدوق است. نکته درخور توجه درباره شاگرد احمد بن زیاد، کثرت روایت شیخ صدوق از اوست؛ برای نمونه شیخ صدوق در کتب خویش بیش از صد حدیث با طرق گوناگون نقل از او نقل می‌کند؛ به همین جهت کثرت روایات اجلائی چون صدوق دورنمایی از عظمت و جایگاه علمی احمد بن زیاد در همدان را روشن می‌سازد.

سنجش وثاقت احمد بن زیاد بن جعفر همدانی بر مبنای گزارش صدوق

در آثار شیخ صدوق شاهد توثیق قوی و عملی این محدث از جانب شیخ صدوق هستم. از یک‌سو شیخ صدوق درباره "احمد بن زیاد همدانی" پس از نقل روایتی تفسیر از او در باب آیه (لقمان، ۲۰) اظهار داشته است:

«لم اسمع هذا الحديث الا من احمد بن زیاد ابن جعفر الهمداني رضي الله عنه بهمدان عند منصرفي من حج بيت الله الحرام، وكان رجلا ثقة دينا فاضلا (رحمة الله عليه) و رضوانه»؛ مصنف این کتاب (شیخ صدوق) گفته است: این روایت را تنها از احمد بن زیاد بن جعفر همدانی هنگامی که از حج خانه خدا برمی‌گشتم در همدان از وی شنیدم. او مرد موثق، متدین و فاضل بود که رحمت و رضوان خداوند بر ایشان باد.» (ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۲/ ۳۶۹-۳۶۸).

بررسی و تحلیل داده‌های رجالی صدوق پیرامون احمد بن زیاد

۱. با تکیه بر شخصیت رجالی شیخ صدوق، سخن شیخ صدوق درباره احمد بن زیاد که گوید: «وكان رجلا ثقة دينا فاضلا» بی‌نظیر است. با فحص و جستجویی که در آثار صدوق انجام پذیرفت چنین تعبیری در شأن محدث دیگری از جانب صدوق صادر نشده است.

صدوق در مقام داوری و سنجش وثاقت احمد بن زیاد به توصیف احمد بن زیاد همدانی پرداخته به سخن آشکارتر صدوق به مثابه عالم رجالی احمد بن زیاد همدانی را فردی ثقه، مظهر دینداری و اهل فضل معرفی می‌نماید. توثیق صدوق در این خصوص که نقل همدانی متفرد است اهمیت بیشتری می‌یابد. ناگفته پیداست از لحاظ ادبی از مصدر «دین» در شأن احمد بن زیاد مستفاد می‌گردد احمد بن زیاد همدانی مظهر تجلی دین و دیانت است و این در لسان شیخ صدوق بالاترین تجلیل از دینداری احمد بن زیاد به‌شمار می‌رود.

۲. اکثر روایت شیخ صدوق از "احمد بن زیاد همدانی": یکی از راه‌های توثیق "احمد بن زیاد همدانی" این است که او از مشایخ اصلی شیخ صدوق است. "احمد بن زیاد همدانی" به نحوی در مرتبه حسین بن عبدالله غضائری است و پس از پدر شیخ صدوق و ابن ولید و محمد بن موسی بن متوکل جزو برجسته‌ترین مشایخ حدیثی او به‌شمار می‌رود. با جستجو در نرم‌افزارهای حدیثی نور فراوانی نقل صدوق از احمد بن زیاد نشان می‌دهد که او از مشایخ اصلی شیخ صدوق بوده و در صورتی که صدوق از راوی اکثار داشته باشد، مروی عنه معتبر است. حتی اگر قاعده اکثار شیخ صدوق از راوی را موجب وثاقت ندانیم، نقل روایت به صورت فراوان که نشان دهنده درجه خاصی از اکثار است، تفاوت داشته و بدون شک موجب وثاقت راوی است. الفاظ «ثقه، دین، فاضل» در گفتار منقول از شیخ صدوق توثیق احمد بن زیاد بن جعفر همدانی استفاده می‌گردد (میرداماد، ۶۰).

۳. یکی از مباحث اختلافی برای سنجش وثاقت روات در کلام شیخ صدوق الفاظ ترضی و ترحم است (داوری، ۳۳-۳۶). به نظر می‌رسد در این خصوص این الفاظ دال بر حسن حال احمد بن زیاد همدانی باشد چرا که صدوق در تکمیل سخن خویش، از ترضی بعد از توثیق صریح بهره برده و این خود نشانه‌ای بر بیان حسن حال راوی است.

تعیین زمان دیدار و تحمل حدیث از احمد بن زیاد توسط صدوق

ابن بابویه در سال ۳۵۵ ق به بغداد وارد شد و شاید این امر پس از بازگشت از زیارت

خانه خدا بوده است.^۱ وی در همین سال عراق را ترک و در مسیر مراجعت به ری وارد همدان شده و از جمعی از مشایخ آن دیار چون "قاسم بن محمد بن عبدویه همدانی، احمد بن زیاد همدانی و ابوالعباس کندی" استماع حدیث کرده و یا اجازه دریافت کرده است (ابن بابویه، خصال، ۱/ ۱۰۶؛ ابن بابویه، کمالالدین، ۱/ ۳۶۹) و سرانجام با ترک همدان به سفر غربی خود خاتمه بخشید و با توشه‌ای ارزشمند به وطن مراجعت نمود. این نمونه‌ای از اطلاعات منحصر به فردی است که تنها در کتب صدوق یافت شده و در هیچ کتاب رجالی دیگری ثبت نشده است.

نشر حدیث در همدان توسط "احمد بن زیاد همدانی"

گفتیم که داده‌های تاریخی در خصوص "احمد بن زیاد همدانی" آنقدر کم است که حتی تاریخ تولد و وفات او نیز در حد حدس و گمان هم مشخص نشده است. شناساندن مشایخ حدیثی صدوق و انتقال تراث همدانی‌ها به شیخ صدوق توسط "احمد بن زیاد همدانی" مستلزم پیجویی دو مرحله تخمین محدوده زندگانی (تولد و وفات) و آشکار شدن طبقه روایی احمد بن زیاد است.

مقدمه اول: تخمین محدوده زندگی "احمد بن زیاد همدانی"

بر پایه تاریخ رحلت و داده‌های برآمده از تراث روایی شیخ صدوق و توجه به اسانیدی که "احمد بن زیاد همدانی" به مثابه شیخ حدیثی صدوق شناخته می‌شود می‌توان محدوده طبقه "احمد بن زیاد همدانی" را بازیافت.

در ترجمه احمد بن زیاد نکات درخور توجهی حتی سال رحلت او گزارش نشده است. لذا حدس طبقه روایی "احمد بن زیاد همدانی" درخور توجه است. قهرا با عنایت به قرائن و شواهد دیگر می‌توان به عصر زندگانی احمد بن زیاد نزدیک شد. این دسته از شواهد در

۱. نک: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، برگرفته از مقاله «ابن بابویه، محمد»، ۴۷/۹.

دو گروه اساسی قرار می‌گیرد:

۱. منابع حدیثی ۲. عنایت به سال رحلت شاگردان و راویان هم طبقه "احمد بن زیاد همدانی".

۱. منابع حدیثی

هیچ‌کدام از منابع رجالی درباره سال تولد و وفات احمد بن زیاد بن جعفر همدانی سخنی نگفته‌اند و نوعاً بدین که او از مشایخ صدوق بوده اکتفا نموده‌اند.^۱ اما با مراجعه به کتب حدیثی شیخ صدوق و محدثان همعصر و دوران "احمد بن زیاد همدانی" به احادیثی روبرو می‌شویم که تا حدی در تخمین دوران زندگی احمد بن زیاد اثر گذار است. شیخ صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمه به ذکر روایتی از امام کاظم (ع) می‌پردازد: «ابن بابویه، کمال الدین، ۳۶۹/۲) و در ذیل این روایت شیخ صدوق اظهار می‌دارد: «عنه لم أسمع هذا الحديث إلا من أحمد بن زیاد بن جعفر الهمداني رضي الله عنه بهمدان عند منصرفي من حج بيت الله الحرام» (همانجا) این روایت نشان می‌دهد شیخ صدوق هنگامی که از حج بیت‌الله الحرام بازمی‌گشته به دیار همدان قدم گذارده و احادیثی از "احمد بن زیاد همدانی" استماع نموده است. از دیگر سو شیخ صدوق در سند حدیثی دیگر ملاقات خود را با محدث همدانی دیگری گزارش می‌دهد: «أَخْبَرَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ الْفَضْلُ بْنُ الْفَضْلِ الْكِنْدِيُّ بِهَمْدَانَ مُنْصَرَفِي مِنَ الْحَجِّ» (ابن بابویه، الخصال، ۳۲۰/۱) در سند حدیثی دیگر شیخ صدوق سال ملاقات خود با ابوالعباس کنندی در همدان (= منصرفی من الحج) را اعلام می‌کند: «أَخْبَرَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ الْفَضْلُ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ الْعَبَّاسِ الْكِنْدِيُّ الْهَمْدَانِيُّ فِيمَا أَجَازَهُ لِي بِهَمْدَانَ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَ خَمْسِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ» (ابن بابویه، التوحيد، ۷۸).

شیخ صدوق در کتاب خصال حضور خویش در همدان را سال ۳۵۴ قمری گزارش کرده و این نکته نشان می‌دهد صدوق از فرصت حضور در همدان استفاده نموده و روایات فراوانی را از محدثان همدانی به خصوص احمد بن زیاد نقل می‌کند؛ البته این یافته نشان

۱. برای نمونه علامه حلی، ۷۰؛ خویی، ۱۲۰/۲.

دهنده زنده بودن احمد بن زیاد بن جعفر همدانی در سال ۳۵۴ قمری است. افزون بر این با توجه به سندی که در کتاب خصال آمده است سال ملاقات و دریافت حدیث از یکی از مشایخ احمد بن زیاد توسط شیخ صدوق گزارش شده است: **قَالُوا حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ سَنَةَ سَبْعٍ وَثَلَاثِمِائَةٍ ق (ابن بابویه، خصال، ۴۵۱/۲).** این مطلب نشان می‌دهد "احمد بن زیاد همدانی" در سال ۳۰۷ زنده بوده و او در آن سال علی بن ابراهیم قمی را ملاقات نموده و از او حدیث استماع کرده است. و نزدیک به پنجاه سال بعد از ملاقات با علی بن ابراهیم قمی این روایت را برای شیخ صدوق اداء نموده است.

۲. توجه به سال رحلت استادان، شاگردان و محدثان هم طبقه "احمد بن زیاد همدانی"

دسته‌ای از اسناد شیخ صدوق و یک سند ویژه از شیخ طوسی استادان "احمد بن زیاد همدانی" و گروهی از شاگردان و هم طبقه احمد بن زیاد داده‌های طبقه‌شناختی ارزشمندی به دست می‌دهند. از مسیر ارزیابی این سه دسته و توجه به میانگین سن می‌توان به سال تولد و رحلت احمد بن زیاد به صورت تقریبی نزدیک شد.

الف) مشایخ احمد بن زیاد بن جعفر همدانی

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ (برای نمونه: ابن بابویه، امالی، ۷۲)
عُمَرُ بْنُ سَهْلٍ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الدِّينَوْرِيُّ (برای نمونه: ابن بابویه، امالی، ۴۶۷)
مُحَمَّدُ بْنُ مَعْقِلٍ الْقَرْمِيسِينِيُّ (برای نمونه: ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۶۴/۱)
علی بن ابراهیم بن هاشم قمی: (برای نمونه: همو، ۲۱۷/۲)
أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ الْعَلَوِيُّ الرَّقِّيُّ الْغُرَيْضِيُّ (برای نمونه: ابن بابویه، ۴۷۰/۲)
از یک سو با توجه به محدوده سال رحلت استادان "احمد بن زیاد همدانی" به خصوص علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (۳۰۷ قمری) و از طرف دیگر وفات شاگرد او

(=شیخ صدوق ۳۸۱ قمری) و از طرف سوم و مهمتر از همه‌ی داده‌ها گزارشی است که شیخ صدوق آنرا نقل می‌کند:

۱. قالوا حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ سَنَةَ سَبْعٍ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ ق (ابن بابویه، خصال،

"(۴۵۱/۲)

۲. أَخْبَرَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ الْفَضْلُ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ الْعَبَّاسِ الْكِنْدِيُّ الْهَمْدَانِيُّ فِيمَا أَجَازَهُ لِي بِهِمْدَانَ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَ خَمْسِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ «(همو، ۲۹۵/۱؛ ابن بابویه، التوحید، ۷۸).

۳. «أَخْبَرَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ الْفَضْلُ بْنُ الْفَضْلِ الْكِنْدِيُّ بِهِمْدَانَ مُنْصَرَفِي مِنَ الْحَجِّ» (ابن بابویه،

خصال، ۳۲۰/۱)

معلوم می‌شود "احمد بن زیاد همدانی" در سال ۳۰۷ هجری قمری در قید حیات بوده و در سال ۳۵۷ هجری قمری این حدیث را به شیخ صدوق اداء می‌کند. اگر سن شروع تحمل حدیث راوی را حدود ۲۵ سالگی در نظر بگیریم و قبول کنیم که "احمد بن زیاد همدانی" در عنفوان جوانی این حدیث را از علی بن ابراهیم قمی شنیده است می‌توان سال تولد احمد بن زیاد را حدود سال ۲۸۰ قمری تخمین زد. ناگفته نماند با عنایت به میانگین سن استادان و هم طبقات و شاگردان "احمد بن زیاد همدانی" و لحاظ اسانید ارزشمند شیخ صدوق می‌توان محدوده سالهای ۳۶۰-۳۶۵ هجری قمری را به عنوان سال درگذشت "احمد بن زیاد همدانی" برگزید. بنابر تخمین سال ۲۸۰ تا ۳۶۵ برای حیات او، حداکثر ۸۵ سال مدت زمانی قابل قبول با طول عمر معمولی محدثان خواهد بود.

ب) راویان هم طبقه "احمد بن زیاد همدانی"

بررسی اسناد صدوق اطلاعات ارزنده و بی‌نظیری در خصوص مشایخ و شاگردان و راویان هم طبقه او در اختیار حدیث پژوهان قرار می‌دهد البته در این بخش جنبه طبقه‌شناختی احمد بن زیاد همدانی محط نظر قرار گرفته و با یاد برخی از محدثان هم طبقه او به سن و سال احمد بن زیاد همدانی نزدیک شد.

علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (برای نمونه: ابن بابویه، ۴۰۰)
 مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ (برای نمونه: همو، خصال، ۶۵۰/۲)
 مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيٍّ (برای نمونه: همو، کمال‌الدین، ۴۷۲/۴)
 أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ إِبرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ (برای نمونه: همو، ۱۳/۱)
 الْحُسَيْنُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ نَاطَانَةَ (برای نمونه: همو، علل الشرایع، ۴۰۳/۲)
 الْحُسَيْنُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ بْنِ الْمُؤَدَّبِ الرَّازِيِّ (برای نمونه: همو، معانی
 الاخبار، ۲۸۵)

عَلِيٌّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقِ (برای نمونه: همو، خصال، ۴۵۱/۲)
 حَمَزَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ ... بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ابن بابویه، کمال‌الدین، ۱۷۲/۲)
 حُسَيْنُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبِ (برای نمونه: همو، کمال‌الدین، ۲۳۰/۲)
 با تامل در بازه زمانی رحلت برخی از مشایخ هم طبقه احمد بن زیاد دستیابی به طبقه
 روایی او تسهیل می‌گردد برای نمونه حاکم نیشابوری سال فوت یکی از راویان هم طبقه
 احمد بن زیاد یعنی حمزه بن محمد علوی قزوینی را را رجب ۳۴۶ دانسته است (رافعی،
 ۴۷۶/۲) اما بعض مورخین سال فوت را ۳۴۲ تعیین نموده‌اند (رافعی، ۴۷۷/۲) با تامل در
 سال رحلت راوی هم طبقه احمد بن زیاد معلوم می‌شود شیخ صدوق در سال‌های پایانی
 عمر با او ملاقات کرده است و به استماع حدیث پرداخته و تحمل حدیث از چنین محدثی
 برای شیخ صدوق از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است چرا که او از کسانی است که
 بزرگان امامیه را ملاقات و درک کرده است.

مقدمه دوم: شناسایی طبقه روایی احمد بن زیاد بن جعفر همدانی

شیخ صدوق مؤلف‌های طبقه شناختی محدودی از احمد بن زیاد ارائه کرده اما آنچه
 مسلم می‌نماید آن است که سرسلسله جنبان یاد کرد "احمد بن زیاد همدانی" در میراث
 حدیثی شیعه از شیخ صدوق و گزارش‌های معتنا به او سرچشمه می‌گیرد. هر چند

اطلاعات محدود و مبتنی بر گزارش شیخ صدوق در اصول رجال شیعه، اظهارنظرهای اندیشمندان رجال را از سده‌های متاخر تا کنون با چالش روبرو ساخته است. چالش‌های طبقه‌شناختی و ابهامات درباره مذهب احمد بن زیاد، قابل حل بوده و می‌توان با تکیه بر قرائن و شواهد هر چند محدود در متون منابع رجال بعضی از ابهامات و سوالات درباره "احمد بن زیاد همدانی" را پاسخ داد.

به نظر می‌رسد، قفل محدودیت گزارش‌های رجال در شناخت طبقه احمد بن زیاد و ابهامات درباره مذهب "احمد بن زیاد همدانی"، با تکیه بر ۴ محور ذیل گشوده خواهد شد:

الف) بررسی روایت مستقیم شیخ صدوق از احمد بن زیاد

ب) گونه شناسی روایات منقول او

ج) شاگردی و نقل روایت احمد بن زیاد از علی بن ابراهیم قمی

د) بررسی استماع حدیث احمد بن زیاد و دیگر محدثان به‌طور همزمان از علی بن ابراهیم و کوشش پیرامون شناخت آن محدثان

الف) ملاقات و روایت مستقیم شیخ صدوق از احمد بن زیاد همدانی

شیخ صدوق، روایات قابل توجهی را از محدثان همدانی نقل کرده است. او اغلب روایات مندرج در آثار خویش را مستقیماً و بدون واسطه از "احمد بن زیاد همدانی" گزارش می‌کند (نک: ابن بابویه، کمال‌الدین، ۳۶۹). این، رساننده این معناست که شیخ صدوق را می‌توان در عداد شاگردان احمد بن زیاد و در شمار طبقه پس از او در نظر گرفت. توجه به سال رحلت شیخ صدوق (۳۸۱) و سفرهای غربی او و زمان تخمینی گزارش شده برای رحلت او در همین نوشتار و همچنین وجود گزارش‌هایی از صدوق مبنی بر ملاقات احمد بن زیاد در همدان، امکان ملاقات صدوق و احمد بن زیاد با یکدیگر در همدان را به حقیقت نزدیک می‌سازد.

گرچه در این بین محدثان همدانی دیگری در آثار صدوق به چشم می‌خورند همچون:

أبو العباس الفضل بن الفضل بن العباس الكندي «ابن بابويه، التوحيد، ۷۷»، و أبو أحمد القاسم بن محمد بن أحمد بن عبدويه السراج الزاهد الهمداني «ابن بابويه، معاني الأخبار، ۲۷۵ و همو، کمال الدین، ۲۹۲»، و محمد بن الفضل بن زیدویه الجلاب الهمدانی «ابن بابویه، خصال، ۵۱۵» بحث و بررسی درباره امکان ملاقات مستقیم شیخ صدوق با دیگر محدثان همدانی مجالی دیگر می‌طلبد.

ناگفته نماند در منابع حدیثی متقدمان، نقل مستقیم محدثان دیگر از احمد بن زیاد یافت نمی‌شود.

ب) روایت احمد بن زیاد از علی بن ابراهیم قمی

گرچه منابع رجالی متقدم، از احمد بن زیاد گزارشی نقل نکرده‌اند ولی به دلیل وجود نام در اسناد فراوانی از شیخ صدوق می‌توان این مطلب را پذیرفت که صدوق تنها طریقی را از احمد بن زیاد می‌پذیرد و از او گزارش می‌کند که علی بن ابراهیم بن هاشم در آن طریق یاد شده باشند. بعید نیست که احمد بن زیاد احادیث متفاوت با طرق مختلفی را برای شیخ صدوق اداء کرده باشد اما صدوق در مقام تحمل و گزارش حدیث تنها به طریقی دست می‌یازد که یادی از محدثان قمی در آن وجود داشته باشد و این نکته با مراجعه به اسناد صدوق امری پرواضح قلمداد می‌شود (برای اطلاع بیشتر به بخش الف) استادان احمد بن زیاد بن جعفر همدانی مراجعه شود).

ج) نقل روایت همزمان دیگر محدثان از علی بن ابراهیم

شاگردی شیخ صدوق از احمد بن زیاد و احمد بن زیاد از علی بن ابراهیم امری مسلم است. در اسناد روایات، احمد تمامی روایات خویش را از علی بن ابراهیم بن هاشم نقل می‌کند. در برخی اسناد مشاهده می‌شود حدیثی با طرق متنوع و با سند عطفی و به صورت حیلولة به ذکر دیگر محدثانی می‌پردازد که با احمد بن زیاد هم مجلس بودند و با همدیگر در یک کلاس درس مشغول استماع حدیث از علی بن ابراهیم بن هاشم بوده‌اند. این روشی

است که صدوق بارها و بارها در خصوص راویان و محدثان و مشایخ خود برای تقویت سند به کار برده است.) توجه به احادیث زیر این مطلب را آشکار می‌کند:

گاه او را در کنار پدرش وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ وَ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ نَاتَانَةَ آورده (ابن بابویه، امالی، ۴۰) و گاه در کنار حُسَيْنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ بْنِ الْمُؤَدَّبِ وَ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقِ وَ حَمَزَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ... بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ (ابن بابویه، امالی، ۴۵۱/۲-۴۵۲).

اما نمونه منحصر به فرد آن یاد کرد هشت شیخ حدیثی از جمله احمد بن زیاد در یک طبقه از سند است. (ابن بابویه، خصال، ۶۵۰/۲) که در کتب صدوق یا کم‌نظیر و یا بی‌نظیر است (همو، ۶۵۰/۲).

نمونه‌های دیگری از این نحو اسناد دهی توأم با اکتار در مشایخ در خصوص احمد بن زیاد در دیگر کتب صدوق به چشم می‌خورد؛ (به عنوان نمونه: ابن بابویه، علل الشرائع، ۱۳۲/۱؛ ابن بابویه، عیون أخبار الرضا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، ۱۳/۱؛ ابن بابویه، عیون أخبار الرضا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، ۲۴۲؛ ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ۳۰۸/۱؛ ابن بابویه، معانی الأخبار، ۲۸۵).

از جمیع اسانید مزبور استفاده می‌شود امکان نقل روایت همزمان محدثان ذیل به عنوان راویان هم طبقه با احمد بن زیاد وجود دارد:

- پدر شیخ صدوق
- مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ
- مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ
- أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ
- الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ نَاتَانَةَ
- الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ بْنِ الْمُؤَدَّبِ
- عَلِيٌّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقِ

- حَمَزَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ
أَي طَالِبُ (او همان حمزه العلوی است که از مشایخ قزوینی صدوق است)
- الْحُسَيْنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبِ

نظریه تحمل حدیث شفاهی متفردات صدوق از احمد بن زیاد همدانی

به باور آیت الله مددی شیخ صدوق احادیث متفردی از احمد بن زیاد همدانی دریافت و گزارش کرده است. به باور او برخی از روایات علی بن ابراهیم قمی در شهر قم نقل نمیشده بلکه شاهدیم دسته ای از روایات از طریق احمد بن زیاد همدانی در منطقه همدان برای شیخ صدوق به صورت شفاهی بیان شده است. (مددی، جلسه ۸۴ و ۸۵)

از مواجهه شیخ صدوق با متفردات برخی از راویان چنین بر می آید که صدوق به سبب عدم توثیق بعضی با احتیاط با احادیث متفرد ایشان برخورد می کند. برای نمونه در کتاب من لایحضره الفقیه (۱۲۸/۲) و روضه المتقین (۳۵۷/۳) صدوق آمده است:

«هَذَا حَدِيثٌ غَرِيبٌ لَا أَعْرِفُهُ إِلَّا مِنْ طَرِيقِ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ الْمَدْفُونِ بِالرَّيِّ فِي مَقَابِرِ الشَّجَرَةِ وَكَانَ مَرْضِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ»

از بیان ابن بابویه مستفاد می شود وی ضمن توجه به غرابت خبر نسبت به فردی همچون عبدالعظیم حسنی در نقل اخبار فقهی احتیاط می ورزد. این گفتار در متفردات احمد بن زیاد همدانی نیز صادق است. گرچه شیخ صدوق در برخی از فقرات مرویاتی از احمد بن زیاد نقل کرده است که تنها از شیخ همدانی صدوق گزارش شده است اما باید توجه داشت شیخ صدوق به مثابه محدثی محتاط در برخورد روایات کوشش کرده است مادامی که نسبت به مضمون حدیثی مطمئن نشده سخنی را از راوی نقل نکند. برای نمونه شیخ صدوق نسبت به واقفی مذهب بودن سماعه بن مهران اخبار او را کنار گذاشته و نسبت به گزارش وی افتا نداده است (ابن بابویه، ۱۲۱/۲). همچنین در برخی از موارد شیخ صدوق به سبب تفرد بعضی از محدثان روایت ایشان را نقل نکرده است صدوق گوید: «لَا أُفْتِي بِمَا يَنْفَرِدُ السَّكُونِيُّ بِرَوَايَتِهِ» (ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۳۴۴/۴، روضه المتقین، ۴۰۰/۱۱)

یا در بخشی دیگر گفته است: «لا أفتی بما ینفرد به» (همانجا، ۴/۴۴۹) از مجموع مطالب پیش گفته می‌توان استنتاج کرد صدوق انقدر در دریافت و تحمل حدیث از مشایخ خویش مطلع و آگاه بوده است که هر کلام و بیانی را از هر محدث و راوی دریافت و نقل نکند. همچنین به نظر می‌رسد روایتی که شیخ صدوق تنها از احمد بن زیاد همدانی از طریق علی بن ابراهیم نقل کرده است تنها در میان محدث همدانی بوده است حال اینکه چرا چنین روی داده است مستلزم توجه به این نکته است که احتمال می‌رود مادامی که علی بن ابراهیم قمی حدیث «ما اسبغ ظاهره و باطنه» را نقل می‌کند شرایطی پیش نیامده است که حدیث علی بن ابراهیم نوشته شود و در مرآی و منظر دیگر محدثان قرار گیرد. از طرفی هیچ دلیلی وجود ندارد مبنی بر اینکه حتماً باید گفتاری از علی بن ابراهیم قمی در شهر قم صادر شود از طرفی مبدأ ترویج حدیث در دیگر شهرها محذور عقلی ندارد. از طرفی احتمال دارد به دلیل برقراری ارتباط وثیق و محکم فی مابین صدوق و احمد بن زیاد، شاگرد در طی جلسات متعددی در برهه زمانی قابل توجه، احادیثی را از شیخ حدیثی شنیده است. روش سماع نیازمند ارتباط مستمر شاگرد با استاد است به طوریکه شاگرد به دلیل ارتباط نزدیک شناخت کاملی از استاد خویش به دست می‌آورد. صدوق که با انگیزه استماع احادیث به خصوص فقهی به نزد احمد بن زیاد همدانی رفته به هیچ وجه به استادی که مرویات نا استوار نقل می‌کند، اعتماد نمی‌کند. در گونه‌شناسی روایات احمد بن زیاد همدانی معلوم می‌شود اغلب روایات منقول از احمد بن زیاد همدانی فقهی است. از طرفی به اعتقاد استاد شبیری زنجانی نقل روایات فقهی به انگیزه عمل به مفاد آن است لذا هیچ انگیزه یا دلیل عقلایی برای فراوانی روایت فقهی وجود ندارد.^۱

گونه‌شناسی روایات احمد بن زیاد همدانی

گزارش‌های شیخ صدوق از احمد بن زیاد همدانی در انواع متفاوتی نقل شده ولیکن

۱. نظرات استاد شبیری زنجانی پیرامون قاعده اکنار و برگرفته از جلسات ۵۳-۵۵ است و در تاریخ ۱۲ و ۱۹ شعبان و ۱۶ شوال ۱۴۱۳ ایراد گردیده است.

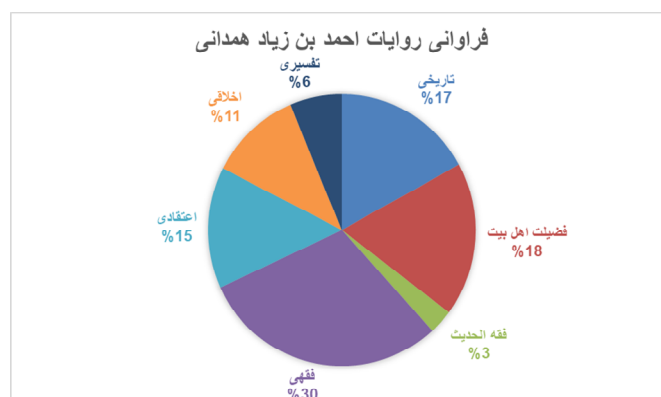
همانند دیگر مرویات مشایخ غیربومی او؛ احادیث فقهی پربسامدترین اخبار را از میان دیگر روایات اعتقادی، تاریخی، تفسیری و فضیلت و منقبت اهل بیت علیهم السلام به خود اختصاص داده است. اینک گونه‌های مختلف روایات احمد بن زیاد همدانی را از نظر می‌گذرانیم:

روایات تاریخی: (ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۲/۲۳۷).

روایات اعتقادی: التوحید

روایات تفسیری:

روایات اخلاقی و فضیلت اهل بیت: تعداد قابل توجهی از روایات "احمد بن زیاد همدانی" در کتاب الخصال و الامالی بیان مسائل اخلاقی و فضائل ائمه اطهار است (ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۲/۱۵۱) (همو، عیون اخبار الرضا، ۱/۵۷).



ترسیم نشر حدیث کوفیان در همدان توسط احمد بن زیاد همدانی

در عصر حیات شیخ صدوق، شخصیت برجسته "حوزه حدیثی همدان"، بی‌تردید احمد بن زیاد بن جعفر همدانی است. "احمد بن زیاد همدانی" در انتقال روایات فقهی، تفسیری، کلامی و تاریخی کوفیان کوشش وافر نموده و واکاوی اسناد روایات در آثار شیخ صدوق نشانگر فراوانی منقولات احمد بن زیاد است.

به احتمال زیاد، "احمد بن زیاد همدانی" در انتقال میراث حدیثی کوفیان بویژه حوزه

حدیثی همدان نقش اساسی ایفا کرده است. با عنایت به طریق پرتکرار «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرٍ الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ» در آثار شیخ صدوق (برای نمونه: ابن بابویه، کمال الدین، ۳۶۹/۲) معلوم می‌شود ابراهیم بن هاشم با ادای احادیث کوفیان به فرزند خویش علی بن ابراهیم قمی و او با نقل روایات پدرش به احمد بن زیاد بن جعفر همدانی در انتقال حدیث کوفیان به قم و از قم به همدان موثر بوده است. دلیل ناظر به مدعای گفتار پیش گفته سخنی از شیخ طوسی در الفهرست است که به شناسایی شخصیت حدیثی ابراهیم بن هاشم و نقش او در نشر احادیث کوفیان به قم اشاره می‌کند:

«ابراهیم بن هاشم ابواسحاق القمی اصله الکوفه و انتقل الی قم و اصحابنا یقولون: انه اوّل من نشر حدیث الکوفیین بقم و ذکرُوا انه لقی الرضا(ع)» (طوسی، الفهرست، ۱۱، نک: نجاشی، ۱۶)

ناگفته نماند فراوانی اسناد "احمد بن زیاد همدانی" به طریق علی بن ابراهیم قمی در آثار شیخ صدوق، نشان دهنده حضور پررنگ ابراهیم بن هاشم در اسناد شیخ صدوق است. در حقیقت وجود منقولات ابراهیم بن هاشم در اسناد شیخ صدوق مرهون، علی بن ابراهیم قمی و شاگرد او احمد بن زیاد بن جعفر همدانی و نقش آفرینی این دو محدث برجسته است. با مراجعه به اسناد کتب شیخ صدوق، رابطه‌ی روایی سه محدث احمد بن زیاد بن جعفر، علی بن ابراهیم و ابراهیم بن هاشم به روشنی قابل شناسایی است.

با بررسی نزدیک به ۲۰۷ سند، شیخ صدوق از طریق "احمد بن زیاد همدانی" از علی بن ابراهیم بن هاشم نقل روایت کرده است به طوریکه نقل پرشمار شیخ صدوق از "احمد بن زیاد همدانی" با این طریق منحصر بفرد این گمانه را تقویت می‌کند که اولاً ابراهیم بن هاشم، علی بن ابراهیم، "احمد بن زیاد همدانی" انتقال دهندگان حدیث کوفیان به همدان‌اند و ثانیاً طریقی که شیخ صدوق از "احمد بن زیاد همدانی" می‌پذیرد طریقی است که علی بن ابراهیم بن هاشم حضور دارد ثالثاً امکان دارد شیخ صدوق احادیث دیگری با طرق متفاوت از احمد بن زیاد شنیده است ولی طرقی را نقل می‌کند که به جریان قمی-کوفی

مرتبط است به سخن دیگر طرق دیگری از مرویات احمد بن زیاد نزد صدوق وجود داشته که صدوق تنها این طریق را در آثار خویش درج می‌کند.

نتایج مقاله

- ۱- نقش ویژه "احمد بن زیاد همدانی" در نقل فقهی به خصوص و نیز روایات اعتقادی، تاریخی، تفسیری، فضیلت اهل بیت علیهم‌السلام غیرقابل انکار بوده و حضور او در متفردات شیخ صدوق ضرورت شناخت شخصیت حدیثی او را افزون‌تر می‌نماید.
- ۲- کثرت ترضی صدوق بر او نشانه وثاقت اوست. پیجویی اسانید کتب شیخ صدوق نشان می‌دهد "احمد بن زیاد" با روایت از علی بن ابراهیم قمی و ابراهیم بن هاشم، آثار محدثان کوفی را به حوزه حدیثی قم و از آن دیار به حوزه حدیثی همدان انتقال داده است. همچنین بسیاری از آثار حوزه حدیثی همدان از جانب "احمد بن زیاد" و بواسطه شیخ صدوق به منابع پسینیان راه یافته است.
- ۳- از خلال این نوشتار نقش بوم همدان و همدانی‌ها هم در ساماندهی منظومه حدیثی صدوق بدست می‌آید. آثار صدوق؛ داده‌های رجالی فراوانی در خصوص احمد بن زیاد به خصوص مشایخ و شاگردان و گرایشهای او برای این تحقیق فراهم نموده.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، انتشارات اعلمی، بی‌جا، ۱۳۶۷.
۳. ابن طباطبا علوی اصفهانی، ابراهیم بن ناصر، منتقلة الطالبية، المكتبة الحيدرية، قم، ۱۳۷۷.
۴. ابن بابویه محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، به کوشش حسن موسوی خراسان، نجف، ۱۳۷۶ق / ۱۹۵۷م.
۵. همو، «المقتع»، ضمن الجوامع الفقهية، تهران، ۱۲۷۶ق.
۶. همو، «مشيخة الفقيه»، همراه ج ۴ فقیه من لایحضره الفقیه، به کوشش حسن موسوی خراسان، نجف، ۱۳۷۶ق / ۱۹۵۷م.
۷. همو، «مشيخة الفقيه»، همراه ج ۴ فقیه من لایحضره الفقیه، به کوشش علی‌اکبر غفاری، قم، ۱۴۰۴ق.
۸. همو، الاعتقادات، به کوشش عصام عبدالسید، قم، ۱۴۱۳ق.
۹. همو، الاعتقادات، ج سنگی، تهران، ۱۳۰۰ق.
۱۰. همو، الامالی، بیروت، ۱۴۰۰ق / ۱۹۸۰م.
۱۱. همو، الامالی، قم، ۱۴۱۷ق.
۱۲. همو، التوحید، به کوشش هاشم حسینی تهرانی، تهران، ۱۳۸۷ق / ۱۹۶۷م.
۱۳. همو، الخصال، به کوشش علی‌اکبر غفاری، قم، ۱۳۶۲ش.
۱۴. همو، ثواب الاعمال، به کوشش محمد مهدی حسن خراسان، نجف، ۱۳۹۲ق / ۱۹۷۲م.
۱۵. همو، علل الشرائع، نجف، ۱۳۸۵ق / ۱۹۶۶م.
۱۶. همو، عیون اخبار الرضا (ع)، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۱۷. همو، عیون اخبار الرضا (ع)، نجف، کتابخانه حیدریه، ۱۳۹۰ق / ۱۹۷۰م.
۱۸. همو، فضائل الاشرع الثلاثة، به کوشش غلام رضا عرفانیان، نجف، ۱۳۹۶ق.
۱۹. همو، کمال الدین، به کوشش علی‌اکبر غفاری، تهران، ۱۳۹۰ق.
۲۰. همو، معانی الاخبار، به کوشش علی‌اکبر غفاری، قم، ۱۳۶۱ش.
۲۱. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، به کوشش رضا تجدد، تهران، ۱۳۵۰ش.
۲۲. ابواسماعیل بن طباطبا، مهاجران آل ابوطالب، نشر بنیاد، ۱۳۷۳.
۲۳. احمدی منش، محمد، جغرافیای تاریخی و شهری همدان در سده‌های نخستین اسلامی، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ۱۳۹۰، شماره ۲۹.
۲۴. اذکایی، پرویز، «همدان در یک نگاه. فصلنامه فرهنگ مردم (ویژه‌نامه همدان)، ۱۳۸۷، شماره ۲۶.
۲۵. همو، همدان نامه بیست گفتار درباره مادستان، تهران، انتشارات مادستان، ۱۳۸۰.
۲۶. استرآبادی، محمد بن علی بن ابراهیم، منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال، موسسه آل البيت، ۱۴۲۲.
۲۷. انتشار آنلاین از تاریخ ۲۷ دی ۱۴۰۰.
۲۸. بی‌نا، مجمل التواریخ و القصص، دکتر محمود افشار، تصحیح ملک الشعرای بهار، بیجا، ۱۳۴۶.
۲۹. بیضون، ابراهیم، امین، سیدمحسن، الشیعه فی مسارهم التاریخی "مقدمه اعیان الشیعه"، موسسه دائره المعارف فقه اسلامی، ۱۳۹۴.
۳۰. پاکتچی، احمد، ابن بابویه محمد، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۹۹.
۳۱. حرعالمی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، مکتبه الاسلامیه، ۲۰۱۷.
۳۲. حسینی المرعشی الداماد، میرمحمدباقر، الرواشح السماویة فی شرح الاحادیث الامامیه، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۵.

۳۳. حلی، حسن بن یوسف، خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، انتشارات الفقاهه، بیجا، ۱۴۱۷.
۳۴. خواجه‌ایان، محمد کاظم، تاریخ تشیع، جهاد دانشگاهی، مشهد، ۱۳۷۶.
۳۵. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، موسسه خویی الاسلامیه، قم، بی‌تا.
۳۶. داوری، مسلم، مبانی جرح و تعدیل، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، بی‌تا.
۳۷. رافعی، مصطفی صادق، تاریخ آداب العرب، دارالکتب العربی، بی‌جا، ۱۴۱۸.
۳۸. راوندی، قطب الدین سعید بن هبه الله، قصص الانبیاء، مکتبه العلامه مجلسی، ۱۴۳۰.
۳۹. راوندی، محمد بن سلیمان، راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۶.
۴۰. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ مردم ایران: از پایان ساسانیان تا پایان آل بویه: کشمکش با قدرتها، امیرکبیر، ۱۳۸۹.
۴۱. سبحانی تبریزی، جعفر، اصول الحديث و احکامه فی علم الدرايه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸.
۴۲. ستار، حسین و دیگران، ابونصر الضبی؛ محدثی ناصبی در سلسله مشایخ صدوق، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، دوره ۲۷، شماره ۷۰، ۱۴۰۰.
۴۳. ستار، حسین، بررسی و تحلیل دلایل و پیامدهای روایات منتقله در آثار شیخ صدوق، دانشگاه قم، قم، ۱۳۹۳.
۴۴. همو، موسوی، سیدمحمد، ابواحمد عسکری در میراث حدیثی شیعه، مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، انتشارات آنلاین از تاریخ ۰۸ آذر ۱۴۰۰.
۴۵. همو، نقش آفرینی نیشابور و نیشابوریان در تدوین آثار و شکل‌گیری شخصیت علمی شیخ صدوق، مجله تاریخ و فرهنگ، پذیرفته شده.
۴۶. سیدکباری، سیدعلیرضا، حوزه‌های علمیه شیعه در گستره جهان، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۸.
۴۷. شبیری زنجانی، سیدموسی، نکاح: تقریرات درس آیت الله شبیری زنجانی؛ سید محمدکاظم طباطبائی یزدی، موسسه پژوهشی رای پرداز، قم، ۱۳۸۲.
۴۸. صادقی سیاح، بهروز، شادپور، حسن، اسماعیلی، محبوبه، فرایند ورود اسلام به همدان در قرن اول هجری، فصلنامه تاریخ، دوره ۱۵، شماره ۵۶ - شماره پیاپی ۵۶، ۱۳۹۹.
۴۹. صدر، سید حسن، نهاية الدراية فی شرح الرسالة الموسومة بالوجيزة للبهایی، نشر مشعر، بی‌جا، بی‌تا.
۵۰. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، اندیشه هادی، قم، ۱۳۸۸.
۵۱. همو، الفهرست، محقق شیخ جواد قیومی، بی‌جا، ۱۴۱۷.
۵۲. همو، مصباح المتعجد، بی‌جا، ۱۴۱۱.
۵۳. همو، العدة فی أصول الفقه، انتشارات تیزهوش، قم، ۱۴۱۷.
۵۴. همو، تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة للشيخ المفید، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۴.
۵۵. همو، رجال الطوسی، محقق جواد قیومی، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۵.
۵۶. همو، الامالی، مترجم صادق حسن‌زاده، قم: اندیشه هادی، ۱۳۸۸.
۵۷. کراجکی، محمد بن علی، کنزالفوائد، دارالذخائر، قم، ۱۴۱۰.
۵۸. محسنی، محمد آصف، بدایه علم الرجال، نشرادیان، قم، ۱۳۹۴.
۵۹. همو، بحوث فی علم الرجال، مرکز المصطفی ﷺ العالمی للترجمة و النشر، قم، ۱۴۳۲.
۶۰. مددی، سید احمد، درس خارج فقه؛ سال ۸۸-۱۳۸۷.
۶۱. مصطفوی، محمدتقی، هگمتانه: آثار تاریخی همدان و فصلی درباره ابوعلی سینا، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱.
۶۲. نجاشی، احمد بن علی، فهرست اسماء المصنفین (رجال النجاشی)، موسسه نشر اسلامی، بی‌تا.
۶۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، محقق علی‌اکبر غفاری، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.
۶۴. نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحديث، فرزند مولف، تهران، ۱۴۱۴.

